

روز شمار

جمعه

۵۸/۲/۲۱

۱۴ جمادی الثانی ۱۳۹۹

۱۱ مه ۱۹۷۹

۵۳

امروز مامور اعزامی دفتر هماهنگی مناطق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرکز گزارشی را تحت عنوان "اوضاع خرمشهر" به این دفتر ارسال کرده است که در آن ضمن آخرین وضعیت جریان‌ها و گروه‌های صاحب نفوذ بررسی شده است و با اعلام این که "خرمشهر آتش زیر خاکستر است." پیش‌بینی شده است که "برخورد مسلحانه در شهر بالاخره روی خواهد داد." گزارش مزبور علاوه بر توضیح اوضاع خرمشهر، نمونه‌ای از اولین فعالیت‌های سپاه در زمینه تحقیق و تحلیل مسائل حوزه وظایف خود می‌باشد و بخصوص تا حد زیادی نگرش سپاه به مسائل را نشان می‌دهد، از این رو متن کامل آن، ارائه می‌شود:



آیت الله محمد طاهر آل شبیر خاقانی

۱ - روحانیت: مردم این شهر یا شیعه اخباری هستند که اقلیت را تشکیل می‌دهند و پیرو محمد طاهر آل شبیر خاقانی می‌باشند یا این که شیعه اصولی هستند که فعلا اصولی یا اخباری بودن مسئله‌ای را بر نمی‌انگیزد. مردم به طور کلی به روحانیون احترام می‌گذارند بخصوص عشایر عرب؛ روحانیون این شهر عبارتند از:

الف: شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی: این شخص قبل از بهمن ۵۷ شخص بسیار ساکت، غیرانقلابی و محافظه کاری بوده که در هیچیک از راهپیمایی‌ها شرکت نمی‌کرد و اوایل حتی اجازه شرکت در راهپیمایی را هم نمی‌داد و با این که روحانیون دیگر که از لحاظ مقام و

درجه فقهی از او پایین تر بودند ولی انقلابی تر ، به او فشار می آوردند ولی او همچنان همه را از راهپیمایی منع می کرد که حتی وقتی روز تاسوعا شد او شخص باز هم موافق نبود ولی وقتی دید چاره‌ای نیست و مردم این کار را خواهند نمود ، اجازه راهپیمایی را صادر نمود ولی نه خودش و نه پسرش در راهپیمایی شرکت نداشتند ولی بعد از انقلاب چون از لحاظ فقهی از همه ارشدتر می باشد همه کاره کمیته‌ها شد و ریاست آنها را به عهده گرفت . عده‌ای تجزیه طلب که در زندان‌های شاه سابق زندانی بودند و در اواخر انقلاب از زندان آزاد شدند با کمک چند نفر از شیوخ ساواکی و چند نفر دیگر از چپی‌ها فور تشکیل سازمان سیاسی خلق عرب را دادند و شروع به تبلیغ و حمایت از محمد طاهر نمودند و ظاهر با تجزیه طلبی مخالف می باشند ولی عملشان بر موضوع تجزیه طلبی صحنه می گذارد و محمد طاهر کسی است که با آن که خودش می داند افرادی که اکنون اطراف او را گرفته‌اند افراد زیاد صالحی نیستند ، لذا به قول خودش به خاطر اتحاد از آنها طرف‌داری می نماید . در گفته‌های محمد طاهر نفوذ چپی‌ها یا عاملین تاسیس جبهه سیاسی خلق عرب را می توان دید ، از آن جمله در روز کارگر گفت : من حامی خلق‌های ایران هستم و از حقوق شما دفاع می کنم و اگر دولت حق شما را ندهد ، من اعلامیه بر علیه دولت می دهم . در جلسات خصوصی گفته بود این دولت امریکایی است و از طرف دیگر گفته بود اگر منافع انگلیس و امریکا حفظ نشود ، ایران به ایرانستان تبدیل می شود و همچنین گفته بود : چون می گویند ما عرب زبان هستیم ، می خواهیم این کلمه را به حلقوم آنها برگردانیم و برای همین با لباس‌های محلی خودمان بیرون می آییم .

محمد طاهر یک حس خود بزرگ بینی و ریاست طلبی دارد . دو تن از افرادی که خیلی با محمد طاهر در تماس می باشند و خیلی ناصالح می باشند و به تشدید اوضاع خیلی کمک می کنند ، داماد و پسرش هستند که نمونه آن ، [هنگام آمدن بازرگان به خرمشهر بود که قبل از این که آقای بازرگان سخنرانی کند داماد محمد طاهر پشت میکروفن گفت : « بازرگان می خواهد سخنرانی کند اگر می خواهید گوش کنید و اگر نمی خواهید گوش نکنید . » که عرب‌ها شلوغش کردند و عده‌ای تیراندازی هوایی کردند و آقای بازرگان بدون سخنرانی سالن را ترک نمودند . بجز پسرش سید کاظم ، برادرش مهدی نیز بر محمد طاهر نفوذ زیادی دارد که شخص خبیث و ناراحتی می باشد . الان محمد طاهر با کرمی خیلی بد می باشد و هر دو در مقابل هم موضع گرفته‌اند و جبهه سیاسی خلق عرب هم اعلامیه‌ای بیرون داده که در آن کرمی و مدنی را با هم محکوم نموده و نسبت‌های ناروایی به او داده است . محمد کرمی وزنه خوبی در مقابل محمد طاهر می باشد .

ب : سید شبر سید عدنان : این شخص قبلاً در عراق بوده و برادرش سید عدنان در خرمشهر محبوبیتی در بین عشایر و دیگر افراد داشت که وقتی فوت می نماید آقای شبر سید عدنان به ایران می آید و جای برادرش را می گیرد که او را به خاطر روابط سنتی ، عده‌ای از مردم قبول دارند و از او پیروی می کنند ولی این شخص انسان غیرانقلابی و ساکتی است . این شخص جبهه‌گیری سختی در مقابل محمد طاهر ننموده است و همچنین هیچ گونه او را تایید ننموده و تا اندازه‌ای با

محمد طاهر مخالف می‌باشد. آقای سید شبر دارای برادرزاده‌ای است (پسر سید عدنان مرحوم) به نام سید علی که شخص مجاهدی است و در بین جوانان نفوذ دارد و چون مخالف محمد طاهر می‌باشد فعلا مدتی است خانه نشین شده است .

ج : آقای نوری است که غیر عرب می‌باشد و شخص مجاهد و فعالی است بخصوص در طول انقلاب خیلی فعالیت کرد . این شخص کسی بود که دائم بر محمد طاهر فشار می‌آورد که راهپیمایی ترتیب بدهد . در حال حاضر با محمد طاهر خیلی بد می‌باشد . فعالیت چندانی ندارد بجز آن که چند نفر از جوانان را به عنوان پاسدار در شهر رهبری می‌کند ، یعنی در حال حاضر هیچ نیرویی نیست که پاسداری این شهر را در دست داشته باشد ، بجز این چند نفر . سازمان سیاسی خلق عرب با آن که خیلی با نوری بد می‌باشد لذا چون از تعداد این پاسداران اطلاعی ندارد ، کمی محافظه کاری می‌کند در مقابل او ، اگر {این سازمان } از قلت این پاسداران ، مطلع شود مسلما دست به کارهایی خواهد زد . این شخص اطلاعات وسیعی دارد که می‌توان از آن استفاده نمود .

۲ - سازمان سیاسی خلق عرب (منطقه السیاسیه الشعب العرب خوزستان) : این سازمان با آن که پایگاه توده‌ای ندارد لذا کوشش زیادی می‌کند که جوان‌های احساساتی عرب را به سوی خود بکشاند و با چسبانیدن خود به محمد طاهر سعی در پیدا کردن چهره‌ای مردمی دارد . اینها تعدادی از جیپ‌های ارتشی را نیز در اختیار دارند و ظاهر پول و اسلحه زیادی به این سازمان می‌رسد ، به گفته آقای نوری بعضی از اعلامیه‌های آنها را معلمینی که از عراق می‌آیند ، برای آنها می‌نویسند زیرا خود ادبیات عربی نمی‌دانند و سبک عربی آن کاملا مشخص می‌باشد . این سازمان چندی قبل از رفراندوم شایع کرده بود که اگر رونوشت شناسنامه بیاورند ، پول نفت به آنها تعلق خواهد گرفت . در درون این سازمان جریانات مختلفی دیده می‌شود . افرادی که در این سازمان ذینفع و با نفوذ هستند :

الف : شیوخ عرب می‌باشند که اکثر آنها ساواکی بوده‌اند یا به وسیله ساواک حمایت می‌شده‌اند از آن جمله شیخ کاظم آل علی که در نهر یوسف و فیلیه نفوذ دارد . شیخ عبدالزهرایی که مسلک شیخی دارد و زیاد به کویت مسافرت می‌نماید . مکی فیصلی که خیلی پولدار می‌باشد و کارگران عرب در بندر زیر دست ایشان کار می‌کنند . عرب‌ها با آن که چندان دل خوشی از شیوخشان ندارند ولی هنوز به خاطر روابط سنتیشان از آنها حمایت می‌کنند و به آنها احترام می‌گذارند .

ب : تجزیه طلبان و کمونیست‌ها که به وسیله رژیم بعثی عراق حمایت می‌شوند . در واقع این قشر که نسبت به شیوخ خیلی باسواد می‌باشند تئوریسین این سازمان می‌باشند .

۳ - مرکز الثقافیه العربی (کانون فرهنگی عربی) ، تجزیه طلبان : کمونیست‌هایی که در رژیم قبلی در زندان‌ها بسر می‌بردند و این اواخر {قبل از} انقلاب از زندان‌ها آزاد شدند و این کانون را به وجود آوردند که دارای ریشه قومی و کمونیستی می‌باشد . شخصی به نام عام که از افسران نظامی و آگاهی کویت است ، همچنین به گفته‌ای مدیر شرکت نفت نیز می‌باشد ، با پولی بیش از ۲

میلیون تومان و مقدار زیادی اسلحه آمده و بین افراد مرکز الثقافیه پخش نموده است در این باره نواری از آقای عارفی - شخص مجاهد و روحانی شادگان که دارای اطلاعات ذیقیمتی است - می باشد . این سازمان اوایل با سازمان سیاسی خلق عرب ظاهر مخالفت می ورزید گرچه هر دو یک چیز را دنبال می کردند و یک هدف را داشتند ولی حالا با هم روابط بهتری دارند .

۴ - المجاهدون العرب فی خوزستان : قبل از انقلاب به صورت مخفی کمی اعلامیه بیرون می دادند و ظاهر دارای خط مشی و نقطه نظرات مثبتی می باشند .

۵ - کانون فرهنگی - نظامی انقلابیون مسلمان خرمشهر : این کانون که ۶۰ درصد اعضاء آن عرب و تقریب همه جوان می باشند ، دارای نقطه نظرهای مثبتی است و طرفدار دولت آقای خمینی می باشند که فعالیت های فرهنگی زیاد می کنند . این سازمان نقطه مقابل سازمان سیاسی خلق عرب می باشد و خیلی با آنها مخالفت می ورزد که گاهی اوقات کمی تندروی می کنند و بدون داشتن سیاست دست به اعمالی می زنند بر علیه سازمان سیاسی خلق عرب . البته این کانون دارای اشخاص مومن و خوبی مثل آقای زمانی می باشد . این کانون یک بار به وسیله افراد سازمان سیاسی خلق عرب خلع سلاح شد ، که نزدیک بود درگیری به وجود آید که بخیر گذشت . گزارش مذکور پیوستی با عنوان " نتیجه گیری ها و بعضی نکات جا افتاده " نیز دارد که به قرار زیر است :

۱ - تمام دهات اطراف خرمشهر و همچنین خانه های زیادی در خرمشهر اسلحه نگه داری می کنند و خرید و فروش اسلحه به وفور دیده می شود .

۲ - به طور کلی در رژیم گذشته عرب ها دچار ظلم مضاعف بودند . آنها را حتی در ادارات دولتی نیز بندرت استخدام می کردند . همچنین چون در عرب ها یک احساس خود حقیربینی در مقابل عجم ها وجود دارد و همچنین عرب ها چون انسانهای احساساتی می باشند مزدوران رژیم سابق و همچنین دشمنان این آب و خاک راحت می توانند آنها را تحریک می نمایند .

۳ - برخورد بالاخره روی خواهد داد ، زیرا خرمشهر مثل یک آتش زیر خاکستر می باشد و بالاخره روزی منفجر خواهد شد ، مگر اینکه دولت اقدامات لازم را به عمل بیاورد که عبارتند از :

الف : اعلام نمودن از رسانه های خبری که حقوق حقه همه خلق ها حفظ خواهد شد . البته اشخاص زیادی این حرف را زده اند ولی این که دولت رسم اعلام نماید ، اثر دیگری دارد .

ب : کارهای عمرانی از قبیل تهیه پمپ آب ، تراکتور ، برق و ساختن جاده انجام شود .

د : ایجاد مجدد کمیته به خاطر در دست گرفتن انتظامات شهر و یا بهتر خواهد بود که سپاه در آن جا دفتر باز نماید ، زیرا از وقتی که به ستاد حمله شد ، کمیته ها به عنوان اعتراض به دخالت های محمد طاهر منحل شدند و الان به جز عده قلیلی به نام پاسداران انقلاب کسی انتظامات شهر را در اختیار ندارد .

ج : سازمان دادن ژاندارمری و شهربانی که وضع خیلی ناجوری دارند خصوص آنکه دیده شده که سرگرد حجازی در جلسات سازمان سیاسی خلق عرب شرکت می نماید و از آنها

هواداری می‌نماید .

د : رسیدگی کردن به وضع کارگران عرب که در ترخیص کالاها در بندر کار می‌کنند .

و : رسیدگی کردن به وضع مرزها ، زیرا عرب ها بخصوص از مرزهای شلمچه ، هویزه ، سوسنگرد ، خور اورق ، ماهشهر و ملاشی قاجاق وارد می‌کنند و چون محمد طاهر عشایر را مامور نگه‌داری از مرزها نموده و آنها هم خود روزگاری را به قاجاق کالا سپری کرده‌اند ، بنابراین وضع ناجوری دارد . فشنگ برنو از عراق وارد می‌شود !!

ه : خنثی نمودن اعمال سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عربی به هر صورت که امکان دارد .

و : قدرت بخشیدن به روحانیونی که مخالف محمد طاهر هستند ، مثل شیخ عیسی طرفی در آبادان .

۴ - در دست عرب ها اسلحه‌های روسی و مصری زیاد دیده می‌شود ؛ مثلا مسلسل بورسعید مصری شانزده هزار تومان به فروش می‌رسد .

۵ - عرب ها از لحاظ ایدئولوژی اسلامی و همچنین آموزش سیاسی خیلی سطح پایین می‌باشند بخصوص در دهات که باید به دهات رفت و آنها را آگاه نمود . عرب ها از این که به آنها عرب زبان گفته شود خیلی بدشان می‌آید . و اساس به سیدها احترام می‌گذارند و کانون فرهنگی عربی به خاطر داشتن افکار چپی نمی‌تواند در بین توده‌ها نفوذ کند ، سازمان سیاسی خلق عرب و کانون فرهنگی عربی در شادگان و جزیره مینو دفتر باز نموده‌اند . همه کشاورزان عرب به خاطر سختی شرایط به کارهای کارگری و ترخیص کالا در بندر و یا قاجاق روی می‌آورند .

۶ - دلیل این که محمد طاهر کمی مهم شده و اسمش بر زبان‌ها افتاده ، این است که بازرگان و طالقانی به دیدن او رفتند و با این کارشان به او ارج نهادند . الان اکثر افراد سازمان سیاسی دور و بر شیخ را می‌گیرند .

۷ - شادگان یکی از مکان‌هایی است که کانون فرهنگی عرب در آن فعالیت می‌نماید . عشایر این شهر تعدادشان بیشتر از ۱۵ برابر عجم‌ها می‌باشد و تا حد زیادی و از لحاظ فرهنگی در سطح پایین می‌باشند . در این شهر روحانی مجاهدی به نام آقای عارفی فعالیت می‌کند که زندگیش را وقف این مردم نموده است و کانون فرهنگی خیلی سعی کرده او را به طرف خودبکشاند ولی موفق نشده است . و این شخص دارای اطلاعات گرانبهایی می‌باشد .

۸ - پان ایرانیست‌ها در خرمشهر به دو دسته تقسیم می‌شوند : ۱ - طرفداران فروهر ۲ - طرفداران پزشکپور که رحیم کعبی (عرب) و سالمی‌ها و خرمی‌ها از سران آن می‌باشند . به طور کلی پان ایرانیست‌ها از عرب ها خوششان نمی‌آید ولی بجز چند جلسه در بین خودشان هیچ فعالیت دیگری ندارند و سکوت اختیار کرده‌اند . به طور کلی با این نهضت نیز همکاری نمی‌کنند و دل خوشی از آن ندارند ولی کاری هم بر علیه نهضت نمی‌کنند .

۹ - کسانی که به نمایندگی از عرب هابه تهران آمده‌اند ، نمایندگان حقیقی عرب ها نیستند . (۱)

در ضمیمه گزارش مامور اعزامی سپاه به خرمشهر درباره مراکز قدرت در خرمشهر چنین آمده است :

در ظاهر چند مرکز در شهر به چشم می‌خورد که دارای قدرت هستند ولی در اصل دوقدرت بیش نیست. قدرت‌ها یکی سازمان سیاسی خلق عرب است و دیگری کانون فرهنگی - نظامی خرمشهر و دیگر دژبان و یک مرکز کمیته که نمی‌دانم وابسته به کجا هستند و چکار می‌کنند، زیرا فقط چند نفر حاجی در یک دفتر نشست‌اند ولی در انتظامات شهر و دخالتی ندارند. دژبان نیز غیرمستقیم زیر نظر کانون کار می‌کند و با آنها مشترک برای پاسداری در شهر کمک می‌کند. درحقیقت دو نیروی اصلی وجود دارد کانون فرهنگی - نظامی خرمشهر که تشکیل شده است از جوانان عرب و غیر عرب که موسسین آن "گروه منصورن" می‌باشند که در زمان انقلاب اکثر افرادشان زندگی مخفی داشته‌اند. کانون فرهنگی - نظامی را اکثر جوانانی غیور و متعهد که هم عرب و هم غیرعرب هستند تشکیل می‌دهند. این کانون تمام کار پاسداری از نقاط حساس شهر، پاسداری از منازل و خیابان‌ها و پاسداری گمرک و بندر را به عهده دارند. البته نظریه این که مردم از پلیس بندر حساب نمی‌برند و در آن جا دزدی‌های زیادی می‌شود به تازگی قرار بر این شده است که کانون نیز در این امر شرکت کند، زیرا در شهر مردم روی کانون حساب می‌کنند و افراد ناباب از آنها عجیب می‌ترسند.

سازمان سیاسی خلق عرب: این سازمان تا به حال سه نام عوض کرده و این آخرین نام این سازمان می‌باشد. این سازمان متشکل از عده‌ای عرب تندرو و کمونیست است که اکثر تحریکات - بنا به قول افراد کانون - به وسیله همین افراد صورت می‌گیرد و عده‌ای از طرفداران شیخ هستند که اکثر افراد شناخته شده هستند. عده کثیری از آنها را اشخاص بی سر و پا و چاقوکش و ... تشکیل می‌دهند و عده‌ای نیز دچار انحرافات جنسی بوده و عده‌ای نیز افراد رابط با ساواک بوده‌اند. برادران کانون در این موارد اسنادی نیز دارند که می‌توانند ارائه دهند.

اختلافات بین اعراب: چون عرب‌ها در عشایر تشکیل شده‌اند و اکثر عشایر با هم در اختلاف هستند به همین دلیل اختلافات شدیدی بین آنها وجود دارد ولی اخیر این دعواها کمتر شده و گویا توافق‌هایی در پشت پرده صورت گرفته باشد.

تذکر: بنا به قول جوانان شهر، از گروه علی فخری - که از طرف شیخ برای مذاکره با دولت به تهران آمده‌اند - عده‌ای عمال ساواک، چند نفر کمونیست و چند نفر نیز سابقه دزدی دارند، فقط پنج یا شش نفر از آنها صالح و پاک می‌باشند.

خصوصیات شیخ: شیخ مردی است قدرت طلب و صاحب نفوذ در عوام، ولی به علت این که شخص فردی ضعیف النفس می‌باشد بیشتر آلت دست اطرافیان قرار می‌گیرد و نسبت به عمال رژیم سخت سست بنیاد است و از طرف شدن با عمال رژیم که نفوذی در عشایر دارند، جلوگیری می‌کند و تمام اختلافات نیز سر منشاء از دستگیری یکی از عمال رژیم سابق دارد که شیخ شدید اصرار داشته که او را باید آزاد کرد. (۲)



امام موسی صدر
رهبر شیعیان لبنان

به گزارش مطبوعات ، هزاران نفر از طبقات مختلف مردم یزد پس از شنیدن سخنان خانم “رباب صدر” خواهر امام موسی صدر که در مسجد “خطیره” این شهر ایراد شد در خیابان‌های شهر به تظاهرات پرداختند و خواستار آزادی امام موسی صدر شدند . خانم رباب صدر در این اجتماع که با حضور آیت الله صدوقی برپا شد طی سخنانی از مردم ایران درخواست کرد که از دولت اسلامی بخواهد برای بازیابی امام موسی صدر کوشش کنند . خواهر امام موسی صدر در بخشی از سخنان خود اظهار داشت :

سازمان “سیا” ی جنایتکار در بعضی از مناطق غربی دست به کار شد تا امام موسی

صدر که تبلور امیدها و آرزوهای ملت مسلمان و شیعه بود از میدان به در رود ، به همین منظور وی را درسفری رسمی که به دعوت سران لیبی به آن کشور بود ، ربود و اکنون بیش از ۹ ماه است که از وی هیچ گونه خبری نداریم . برای ما به هر دلیل قطعی مسلم و محرز است که امام موسی صدر و همراهانش علی‌رغم ادعای لیبی دایر بر خروج آنها از لیبی و مسافرت ایشان و همراهانش به ایتالیا ، هرگز به این کشور سفر نکرده و از لیبی خارج نشده‌اند .

لبنان در چنگال اسرائیل دست و پا می‌زند ؛ جنوب لبنان در آتش و خون غرق است ؛ تمام تاسیسات نوپای شیعیان که به همت امام موسی صدر برپا شده ، نزدیک به انهدام است . خواهران و برادران لبنانی خود را دریابید و پیش از آن که خانه و هستی خود را از دست بدهند و آواره بیابان‌ها شوند ، به کمک ایشان بشتابید . اگر غیبت امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان بیش از این به طول انجامد ، بزرگترین ضایعه تاریخ



رباب صدر
خواهر امام موسی صدر



آیت الله سید محمد کاظم شریعتمداری

شیعه به وقوع خواهد پیوست و جنوب لبنان را به خاک اسرائیل ملحق خواهند نمود. اگر رهبر شیعیان لبنان آزاد بود اینگونه تجاوزات به شیعیان و مسلمانان جنوب لبنان ممکن نبود. یک سرگرد با کمتر از ۲ هزار سپاهی رجاله خود جنوب لبنان را تجزیه کرده است تا بعد از این به ارباب اسرائیلی خود تحویل دهد. (۳)

درباره همین موضوع، آیت الله شریعتمداری تلگرامی به کنفرانس وزیران خارجه کشورهای اسلامی در مغرب مخابره و از آنان درخواست کرد که موضوع ناپدید شدن امام موسی صدر رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان در دستور کار آن کنفرانس قرار گیرد. وی تاکید کرد کنفرانس باید هاله ابهامی که درباره ناپدید شدن ایشان به وجود آمده از میان بردارد و

کوشش مجدانه‌ای برای آزادی نامبرده به عمل آورد. امام موسی صدر یکی از علمای مبارزی است که مجاهدت فراوانی در راه وحدت اسلامی نموده و گام‌های ارزنده‌ای در این مسیر برداشته است و اکنون نبودن ایشان در لبنان که سالیان دراز میدان مبارزه وی علیه دشمنان اسلام بوده آثار ناگواری بویژه در جنوب لبنان که مورد علاقه مخصوص مسلمانان جهان است به وجود آورده است. در تلگرام با تذکر به این که امام موسی صدر دارای احترام و منزلتی خاص نزد مسلمانان بویژه علما و دانشمندان است، مجدد تاکید شده است که اهتمام بر این موضوع خواست عموم مسلمانان مخصوص مسلمانان ایران و لبنان است و موجب تعجب فراوان است که تاکنون روسای کشورهای اسلامی اهمیت لازم را به این مسئله نداده‌اند و بروز حادثه‌ای این چنین برای شخصیت‌هایی همانند امام موسی صدر در حقیقت ایجاد سدی است برای رسیدن به وحدت اسلامی و موجب ناامیدی است برای همه آنان که در این راه گام برمی‌دارند، زیرا که برایشان ناامنی به وجود می‌آورد. (۴)

۵۵

اعدام "حبیب الله القانیان" سرمایه دار صهیونیست ایرانی، در محافل و روزنامه‌های وابسته به صهیونیستها و نیز اسرائیل، واکنش‌هایی را به همراه داشته است؛ از جمله سازمان مردان یهودی در آمریکا از کارتر رئیس جمهوری آمریکا خواست که از سازمان ملل متحد رسم بخواهد که درباره نقض حقوق بشر در ایران تحقیق و رسیدگی کند. اما رئیس هیات نمایندگی ایران در

سازمان ملل متحد گفت: حقوق بشر در ایران نقض نمی‌شود. «جمال شمیرانی» که مسئول هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد است گفت: «در ۵۷ سال اخیر این نخستین بار است که حقوق بشر در ایران محترم شمرده می‌شود و مردم آزادند که نظرات خود را بیان کنند... همه کسانی که اخیر در ایران اعدام شدند بطور عمیق در حمایت از حکومت پهلوی دخالت داشته‌اند و آنها به علت اینکه حقوق بشر را در مورد مردم ایران نقض کرده بودند کیفر دیدند. وی اضافه کرد: در ظرف یکسال حکومت سلطنتی ۶۰ هزار نفر به علت مخالفت با رژیم کشته شدند. و امروز آزادی مذهبی برای یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان براساس برابر با مسلمانان در قانون اساسی جدید ایران نوشته می‌شود.» از سوی دیگر رئیس سازمان مردان یهودی امریکا در نامه خود از کارتر خواسته است که علیه تروری که در ایران بوجود آمده است، حرف بزند. (۵)

همچنین به گزارش خبرگزاری فرانسه بروکسل: اعدام «حبیب القانین» سرمایه‌دار ایرانی و یکی از مشهورترین اعضای جامعه یهود موجب اضطراب و تأثر دولت بلژیک گردید. آقای «هانری سیمونه» وزیر خارجه بلژیک به سفید بلژیک در تهران دستور داده است تا در مورد این اعدام از دولت ایران توضیحات بیشتری که موضوع را روشن تر کند، بخواهد. نگرانی دولت بلژیک بیشتر از دلایلی است که دادگاه‌های ایرانی برای اعدام آورده‌اند یعنی رواج فساد با اسرائیل و صیهونیسم.

به گزارش «هماینز گالینسکی» رهبر یهودیان برلن غربی نیز ضمن اظهار نظر درباره اعدام یک یهودی بازرگان در ایران آنرا قتل قضائی خواند و از دولتهای غربی تقاضا کرد که برای احترام به حقوق انسانی در ایران پافشاری کنند. کالینسکی که رهبر ششصد هزار یهودیان مقیم برلن غربی را بر عهده دارد گفت: حبیب القانین را بخاطر همدردیهای وی نسبت به اسرائیل اعدام کرده‌اند و اکنون یهودیان ایرانی در حال ترس و اضطراب زندگی می‌کنند. گالینسکی از دولت آلمان غربی و دیگر اعضای سازمان بازرگانی مشترک اروپا تقاضا کرد تا دولت ایران را برای جلوگیری از عدالت خونین مضحک زیر فشار و دیپلماتیک قرار دهند. در این میان دکتر «فیلیپ ژینگر» سخنگوی حزب مخالف در آلمان طی بیانیه‌ای از آلمان غربی و دیگر اعضای سازمان بازرگانی مشترک اروپا تقاضا کرد برای متوقف کردن انتقام‌های خونین که بوسیله دادگاه‌های انقلابی ایران جریان دارد تلاشهای مشترکی آغاز کنند. دکتر فیلیپ ژینگر گفت: چنین بنظر می‌رسد که پشتیبانی مذهبی القانین از کشور اسرائیل تنها جنایتی بوده که به او نسبت داده‌اند.

به گفته رادیو مسکو بگین نخست وزیر اسرائیل نیز طی سخنانی در پارلمان کشور اسرائیل مناسب تیرباران حبیب القانین رهبر صیهونیستی که به شاه مخلوع نزدیک بود، از نقض موهوم حقوق انسان دم زد و از جهانیان دعوت کرد بکوشند تا اعدام افراد در ایران لغو شود. (۶) روزنامه‌های اسرائیل نیز در مورد اعدام حبیب القانین واکنش نشان دادند همچنین «موشر دایان» وزیر خارجه اسرائیل که القانین با او در ارتباط بود سفری به پاریس کرد تا خواستار دخالت فرانسه شود. دایان پس از یک مذاکره یک عتر با وزیر خارجه فرانسه به

خبرنگاران گفت که اعدام القانیان سابقه خطرناکی بوجود می‌آورد. (۷)

۵۶

شرکت ملی نفت ایران با موافقت دولت به کلیه خریداران خود اعلام کرد با توجه بوضع بازار جهانی نفت از تاریخ ۱۵ ماه مه مطابق با ۲۵ اردیبهشت ماه جاری قیمت فروش انواع نفت خام ایران هر بشکه ۶۰ سنت افزایش می‌یابد. به این ترتیب تمام خریدارانی که با شرکت نفت ایران قراردادهای خرید دارند از تاریخ فوق برای نفت خام سبک هر بشکه ۱۷/۱۷ دلار و برای نفت خام سنگین هر بشکه ۱۶/۶۴ دلار پرداخت خواهند کرد. این قیمتها در مورد نفت خام سبک دو دلار و ۵۰ سنت و در مورد نفت خام سنگین دو دلار و چهل سنت از قیمتهای مصوبه اوپک بالاتر است. (۸)

رادیو لندن در تفسیری در زمینه تقسیم ایران مبنی بر افزایش قیمت نفت صادراتی خود گفت: ایران از موضع نیرومند خود در بازار نفتی استفاده کرده تا ۶۰ سنت به هر بشکه نفت خام خود بیفزاید و این افزایش دومین افزایش در خلال یکماه بشمار می‌رود. این اقدام نگرانیهایی درصنعت نفت بوجود آورد. زیرا احتمال دارد کشورهای عضو اوپک یکی پس از دیگری و بیش از تشکیل اجلاس تعیین قیمتهای سازمان درژنو در ۲۶ ژوئن آینده، قیمتهای نفت خود را بالا ببرند. قیمت کنونی نفت ایران ۱۷ دلار و ۱۷ سنت می‌باشد و بدین ترتیب پس از افزایشهایی که کشورهای دیگر در قیمت نفت خود داده‌اند مانند ابوظبی و عراق، نفت ایران گرانترین نفت منطقه می‌شود. قیمت نفت خام عربستان سعودی دو دلار و ۶۳ سنت ارزانتر است و انتظار می‌رود تصمیم اخیر ایران میان ۶۳ کشور و شرکت‌های نفتی که در ماه مارس با شرکت ملی نفت ایران که صادرات نفت خود را آغاز کرده بود به توافق رسیده بودند، تشنجاتی به وجود آورد.

افزایش قیمت‌های نفت ایران چند روزی پس از اعلام افزایش ۶۷ سنت برای هر بشکه نفت عراق جهت همگام شدن قیمت‌های خود با قیمت‌های نفت ایران صورت گرفته است اندونزی و عمان نیز قیمت‌های نفت خام خود را به ۱۷ دلار و ۵۰ سنت افزایش داده‌اند که بالاترین قیمت‌ها در خاورمیانه به شمار می‌رود، لذا عربستان سعودی برای برقراری قیمت‌های بیشتر، با فشار روبرو خواهد شد، زیرا تنها کشور عضو اوپک خواهد بود که مالیات اضافی بر نفت خام خود وضع نکرده است. (۹)

۵۷

رئیس سازمان سیا در نامه‌ای به قرارگاه سیا در تهران با قید "حساس" در مورد تماس رابط آن سازمان با آیت الله شریعتمداری نوشت:

۱ - ... براساس اظهارات شریعتمداری به باروز، ملاقات اس. دی. ولید / نام واقعی نامعلوم] با شریعتمداری و حالا اطلاعات ج / ۱۳ [اسم واقعی نامعلوم] ما می‌توانیم این فرض قوی را ایراد کنیم که شریعتمداری دارد موضع را می‌سنجد. در تلگرام مرجع ب ما اظهار علاقه

کرده بودیم اطلاعاتی را که شریعتمداری ادعا کرده بود لازم دارد به وی بدهیم. در صورتی که بتوان یک کانال رضایتبخش پیدا کرد، هنوز می‌خواهیم چنین کنیم قطع به نظر می‌رسد که ج ۱۳/ یک کانال باشد، اما مطمئن نیستیم که رد کردن آن از طریق یک مقام سابق ساواک مصلحت باشد یا به همین علت شریعتمداری حاضر شود آنرا از طریق ج ۱۳/ قبول کند یا نه.

۲ - برای تشخیص اینکه آیا زمان مناسب (با در نظر گرفتن آشفتگی وضع عمومی ایران) جهت شروع طرح‌ریزی برای اقدام سیاسی فرارسیده ما به آگاهی از واقعیات بیشتری در مورد اوضاع محل احتیاج داریم. هدف از اقدام سیاسی ما در ایران روی کار آمدن دولتی است که نسبت به منافع ایالات متحده نظر موافق داشته باشد برای آنکه حزب شریعتمداری را به عنوان یکی از راههای نیل به هدف خود مورد توجه قرار دهیم لازم است که قدرت و نفوذ آنرا معین کنیم. ج ۱۳/ چگونه به رقم هشت میلیون نفر آماده پیوستن (به حزب) رسید؟ آیا شریعتمداری خط مشی حزب را تعیین می‌کند یا اینکه مقصود این است که اسم در راس قرار داشته باشد؟ آن مقام رتبه دوم هویتش مشخص نشد و ج ۱۳/ با او تماس دارد کیست؟ چه کسانی کادر اصلی راتشکیل می‌دهند؟ اگر ج ۱۳/ بتواند به اینها و سایر سئوالات جواب دهد کمک خواهد کرد که تعیین کنیم آیا حزب شریعتمداری کارآمد هست یا نه؟

منابع و ماخذ روز شمار ۱۳۵۸/۲/۲۱

- ۱ - سند شماره ۹۰۲۸۸. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش مامور دفتر هماهنگی مناطق سپاه پاسداران به سپاه مرکز.
- ۲ - سند شماره ۹۰۲۸۴. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، گزارش مامور دفتر هماهنگی مناطق سپاه پاسداران به سپاه مرکز.
- ۳ - روزنامه کیهان ۲۲، ۲، ۵۸، ص ۷.
- ۴ - ماخذ شماره ۳. ص ۷.
- ۵ - ماخذ شماره ۳. ص ۳.
- ۶ - خبرگزاری پارس، گزارشهای ویژه، نشریه شماره ۴۸. ص ۱. خبرگزاری فرانسه و رویتر و ص ۲ رادیو مسکو.
- ۷ - ماخذ شماره ۳. ص ۳.
- ۸ - روزنامه اطلاعات ۲۲، ۲، ۵۸، ص ۱.
- ۹ - خبرگزاری پارس، گزارشهای ویژه نشریه شماره ۴۹، ۲۲، ۲، ۵۸، ص ۵. رادیو لندن.
- ۱۰ - دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی جلد ۵۵ (تهران: نشر لانه، جلد ۵۵، بی تا) ص ۴۴.